

<div>دوشنبه<div></div></div> <div>۱۹ آذر ۱۴۰۳</div>	
سال بیست و یکم • شماره ۴۹۹۵	

نگاه

چالش‌هایی که با نخستین قسمت «اکنون» از راه رسید

با انتشار نخستین قسمت «اکنون»، فضای پرتنش استمراری سال‌های اخیر میان پلتفرم «فیلموو» و «سازمان صوت و تصویر فراگیر» موسوم به «ساترا» در رسانه‌های سراسری مجازی و جریان اصلی اوج گرفت.

ساترا در نامه‌ای در تاریخ ۱۴۰۳/۳/۱۴ از پلتفرم فیلموو درخواست کرد در برنامه «اکنون»، هیچ اشاره‌ای به شباهت این برنامه به برنامه کتاب‌باز نشود؛ چون مالکیت فکری این برنامه متعلق به صداوسیماست.

محمدجواد شکوری‌مقدم، مدیرعامل آپارات و فیلموو، در نخستین واکنش، با انتشار نامه ساترا در شبکهٔ اجتماعی ایکس نوشت: اکنون نامه‌ای از ساترا به دستم رسید که مشخص شد تحمل پخش یک قسمت از برنامه «اکنون» سروش صحت را هم نداشتند. وقتی رقیب، نقش داور و رگولاتور را داشته باشد، همین می‌شود که به خودش اجازه دهد چنین نامه‌ای بزند و «اشاره» را هم جز حق مالکیت حساب کند!

پست مدیرعامل فیلموو به‌صورت گسترده در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها منتشر شد. دربارهٔ این اختلاف‌نظر باید به چند نکته اشاره کرد که شبکه نسیم پس از مدیریت محمدرضا خوشرو، بر اساس روندی کاملا مشهود، اقدام به پاک‌سازی چهره‌های هنری با برنامه‌های ممتاز کرد و این شبکه از گردونهٔ تماشای عمومی خارج شد. کتاب‌باز نیز مشمول این سیاست شد و طبیعی است رسانه ملی اگر مطالبه‌اش مالکیت فکری این برنامه است، تولید ایسِن برنامه را با چهره دیگری به غیر از سروش صحت ادامه می‌داد. از طرفی به این موضوع باید اشاره کرد که چهرهٔ محوری این برنامه چندی قبل با اجرای برنامه کتاب‌خوانی در کاناد، با همهٔ مخالفان سیاسی مواجه شد که با تدبیر ایرانیان فرهنگ‌دوست، در همان برنامه رفع تنش صورت گرفت. اینکه چهره‌ای فرهنگی از سوی نهادی همچون ساترا نتواند برنامه فرهنگ‌ساز خود در حوزه کتاب را ادامه دهد و در خارج از کشور به‌عنوان وابسته‌های حاکمیتی شناخته شود، لبه‌های تیز دو قیچی را برای محدودسازی یک هنرمند عیان می‌کند. اما درباره رویکرد مدیرعامل فیلموو نیز نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که این پلتفرم در پخش فیلم‌ها و سریال‌های روز جهان ظاهرا کپی‌رایتی پرداخت نمی‌کند و در حوزه آفرینش هنری سیاست نمونه‌های اورجینال است. اخیرا با ادعای یحیی معصومی، تهیه‌کننده و کارگردان از نمونه‌ها متنوع خارجی)، شام ایرانی (نمونه بازسازی‌شده فرمایید شام)، جوکر (بازسازی‌شده برنامه Last One Laughin) ملاقات با حسین (بازسازی‌شده برنامه با حسین حرف بزن، محصول صداوسیما)، صداتو (بازسازی‌شده برنامه I can see your) حتی برنامه سه‌پنج (الگویی از برنامه علمی در ستکار، مجری سیما) سیاست عدم خلاقیت را آشکار می‌کند. تنها ریلیتی‌شو این پلتفرم، گل با پوچ که ادعا می‌شد برنامه‌ای اورجینال است، اخیرا با ادعای یحیی معصومی، تهیه‌کننده و کارگردان زنجانی، با چالش نمونه‌سازی مواجه شده است. وی در گفت‌وگو با خبرنگارِای صبا گفت طرح تولید مسابقه «اوزوک اوزوک» بنده در سال ۱۴۰۰ طی ۳۲ قسمت تهیه و از شبکه اشراق زنجان پخش شد که مشابه همان برنامه «گل با پوچ» است.

به‌عنوان نمونه، سریال لالایی مجموعه فیلموو نمونه‌ای بازسازی‌شده از مجموعه‌های «بچه‌میلو» و «کلیه» با محوریت درایوش فریبضی معروف به عمو پورنگ است. پلتفرم در سریال‌سازی نیز از این فرمول نمونه‌سازی فایز کپی‌رایت بهره‌مند است؛ سریال می‌خواهم زنده بمانم (شهرام شاه‌حسینی) بازسازی فارسی‌شده سریال عشق بی‌پایان (کاراسودای) محصول کشور ترکیه و سریال قلب شمال بازسازی مجموعه‌ای با عنوان ازل (Ezel) است. اما پس از این بحث‌ها مدیرعامل فیلموو، صدای یکی از کارمندان ساترا در تماسی تلفنی را منتشر می‌کند که ممانعت از پخش زنده فوتبال با صدای عادل فردوسی‌پور را اعلام می‌کند. موضوع جالب اینجاست که صداوسیما آیا اسناد خود را در پخش داشتن کپی‌رایت مسابقات فوتبال می‌تواند به صورت رسمی منتشر کند؟ پخش مسابقات ورزشی در رسانه ملی بر اساس اظهار‌نظر مدیران سیما در سال‌های اخیر همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار داد. اگر مسابقات فوتبال در ایران به‌صورت رسمی و با پرداخت حقوق قانونی انجام می‌شود، چرا شبکه سه و شبکه و ورزش هنگام پخش مسابقات فوتبال خارجی، پخش ماهواره‌ای خود را قطع می‌کند؟

آیا کنشگری مدیرعامل فیلموو آورده‌ای به همراه خواهد داشت؟

واکنش‌های مدیرعامل فیلموو با همراهی رسانه‌های همراه تبدیل به نوعی مواجهه مقطعی خواهند شد. اما در آینده عوارض تلخسی در فضای ممیزی و سانسور برای هنرمندانی که با این سکو همکاری دارند، به همراه خواهد داشت. شکوری‌مقدم با چنین کنشگری‌ای می‌تواند ادعای استقلال را در افکار عمومی پیمیز رسانه‌ای کند، اما واکنش‌های مجازی در زیر پست‌های اخیر او در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد این کنشگری زمینه استقلال فعالیت‌های مجموعه صبا ایده را در افکار عمومی تقویت نمی‌کند و فیلموو و آپارات همواره، از سوی مخاطبان در فضای مجازی به‌عنوان مدل‌های غیرمستقل شناخته می‌شوند که خواه ناخواه حضورشان در راستای تقویت فیلترینگ از سوی برخی منتقدان تحلیل می‌شود. بااین حال، هنرمندانی که مسئولیت تولید محتوا را در این پلتفرم دارند، دچار ممنوعیت‌های گسترده خواهند شد. سخت‌گیری‌های اخیر ساترا نمود آشکاری در محصولات فیلموو دارد. محصولات این پلتفرم در یکی، دو سال اخیر با آتاری بلیسی-امینتی هستند، با پلیس و نیروی امنیتی در آن نقش پررنگی دارند. دسته دوم آثار فیلموو، اغلب تاریخی هستند و این تنها راه فرار از گره کور ساترا در چالش با این پلتفرم است.

چرا فیلموو به‌عنوان نهادی مستقل در افکار عمومی شناخته نمی‌شود؟

قبل از آغاز پلتفرم‌های آنلاین، فیلموو و نماوا با ۲۸ شرکت شبکهٔ نمایش خانگی از نیمه اول دهه ۸۰ تا نیمه دوم دهه ۹۰ فعالیت می‌کردند و محصولات خود را به‌صورت فیزیکل در فروشگاه‌های مختلف ارائه می‌کردن. نکته جالب اینجاست که ۲۸ شرکت مذکور با آقاز به کار فیلموو و نماوا به کار خود پایان دادند و محصولات تولیدی و نمایشی آنان به آرشویو فیلموو و نماوا تبدیل شد. از آن زمان موج فیلترینگ در کشور گسترش پیدا کرد و با تضعیف‌شدن چندمرحله‌ای نماوا، این پلتفرم به رسانه آنلاین نخست کشور تبدیل شد. چندی قبل مدیرعامل فیلموو در واکنش به اظهارات عضو شورای عالی فضای مجازی درباره جایگزین‌کردن آپارات با یوتیوب نوشت: عضو شورای عالی فضای مجازی که دیروز آپارات را دلیلی برای رضایت مردم از فیلتر یوتیوب عنوان کرد، می‌داند که همین الان ما درگیر پنج پرونده شکایت صداوسیما از آپارات هستیم؟ پس روغن ریخته را نذر امامزاده نکنید؛ نظر ما همین است که بارها و بارها گفتیم و اعلام رسمی کردیم: فیلترینگ یوتیوب را بردارید و آپارات را بهانه فیلتر و چماق تصمیمات غلط قبلی نکنید… مجموعه ما خیلی سال پیش از این، پیش‌بینی این شرایط را داشته و در حوزه‌های مختلف دیگری مانند آموزش مبتنی بر تکنولوژی، سینمای خانگی و… فعالیت خود را گسترش داده و از آپارات هم چند پروژه مؤثر و قابل رقابت مثل آپارات اسپورت، آپارات‌موزیک و… بیرون کشیده است. امروز دیگر مردم خودشان انتخاب می‌کنند از چه سرویس و درگاهی استفاده کنند؛ البته اگر دسترسی و رقابت آزاد و عادلانه باشد. تقاص دردسرها و پرونده‌های باز ما را هم یوتیوب از ساترا و صداوسیما می‌گیرد ان‌شاءالله. این اتفاق در حالی افتاد که برخی رسانه‌ها، سندی را به شماره ثبت ۱۹۱۵۳۴ منتشر کردند که نشان از همکاری با جلیلی، عضو شورای عالی فضای مجازی، در شرکت «مان‌اف‌از» حرف می‌زند و تاکنون هیچ تک‌نمایی از سوی این دو منتشر نشده است. بااین‌حال بسیاری از کاربران فضای مجازی، در زیر پست‌های مرتبط با فیلموو و آپارات، مطالبی را منتشر می‌کنند که چالش همکاری با فیلترینگ را دامن می‌زند. این ادعاها تا چه حد می‌تواند قابل باور باشد؟

در نشست بیمه و عدالت شغلی مؤسسه راهبردهای صبا مطرح شد

زنان ۹ برابر مردان بی‌کار شده‌اند

به‌زودی زنان سرپرست خانوار، فقیرترین فقرا در جامعه خواهند بود



تفاوتی بین مهندس و کارگر خط تولید، زن و مرد… وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان نقش بیمه را در تعمیق عدالت شغلی نادیده گرفت.

«خدا قوت، مانده نباشی» این جملات را که در محیط‌های کارگری یاد گرفته‌ام، بی‌هیچ مکتی، همان لحظه که نگاهم در نگاهش قفل می‌شود، خطاب به «علی» به کار برم و او هم با لبخندی گذرا، همان جواب مرسوم را داد و به کار خودش مشغول شد. کپ‌وگفت از همین‌جا درگرفت. رسم کارگرها همین است. یکی که بهشان «خداقوت» بگوید انگار از خودشان است. کنارشان که بایستی، خودبه‌خود سر صحبت باز می‌شود و گاهی حتی سفرد دل را هم پیشش باز می‌کنند. او هم شروع به صحبت کرد. سؤال می‌کردم و «علی» هم مثل اینکه دارد داستان تعریف می‌کند، سیر تا پیاز ماجرا را می‌گفت. ۱۲۰۱۰ سالی است که کار بنایی انجام می‌دهد، اما حالا «اوستا» نشده است. دلبلس هم این بوده که به قول خودش خیلی علاقه نداشته و تازه در میان کار هم به امر دیگر مشغول شده است. حتی کارش به باربری هم افتاده! می‌گفت: خیلی خنگ نیستم اما مشکل این بود که هم من علاقه نداشتم و از سر اجبار به فعلگی آمدم و هم این وسط مجبور بودم برای گذران زندگی کارهای دیگر هم انجام دهم. هر کاری که می‌شد پولی حلال درآورد و خرج زن و زندگی را داد، انجام دادم. آخر این شغل لامصب یک طوری است. اگر همیشه و دانم باشد خوب است، اما هوای برفی تعطیل است. زیاد سرد باشد تعطیل است. می‌دانی که چه می‌گویم؟ چون کار با آب است و توی هوای سرد اصلا بدن کاشش ندارد. وسط این چیزها بگه‌گو می‌بینی وضع خانه‌سازی هم خراب می‌شود و آنجا هم باز کار ما تعطیل است. اوضاعی داریم به خدا.

می‌خندید! اینکه خنده‌هایش عصبی بود یا از روی طنز موقعیت، نفهمیدم، اما هرچه بود، خیلی مختصر و مفید اوضاع را وسط دایره ریخت. بحث به بیمه که کشید، سگرمه‌هایش در هم رفت و انگار که دلخوری زیادی داشته باشد، چند نفر مربوط هم زد؛ بیمه؟ دلت خوش است مثل اینکه. کی دلش به حال ما سوخته؟ توی همین کارگاه که حدود ۲۰ نفر کار می‌کنند بچرخ بین یک نفرشان بیمه دارد؟ بیمه مال از ما بهترند…

عدالت‌رالی

لجبند تلخ «علی» در ذهنم می‌چرخد و گاه حرف‌هایش لگدی به احساسم می‌زند. بعد جمله‌ای مثل پتک روی سرم فرود می‌آید: «راز! راز! عدالت را به‌مانه‌ی انصاف می‌داند؛» انگار که این وسط یک لحظه خوابم برده و «علی» با آن حرف‌های گاه تلخش به سرغام آمده باشد. فرشید یزدانی دارد یاب آرتوآب درباره دیدگاه‌های عدالت‌محور حرف می‌زند. از راز! می‌گوید و هاینز؛ اینکه هاینز عدالت را مبادله‌ای و توزیعی می‌داند و جان راز! حتی وجود برخی نابرابری‌ها را برای تحقق عدالت لازم می‌داند.

عکسی که در ماینپور جلویم باز مانده، تازه همه چیز را یادم می‌آورد و چرتم را پاره می‌کند. یک پوستر با این عنوان که «بیمه و عدالت شغلی» و آن بالاتر نوشته: «مؤسسه راهبردهای صبا»؛ بگه‌و هبوط می‌کنم و از میانه کپ‌وگفت با «علی» وسط جلسه‌ای فرود می‌آیم که قرار است درباره نقش بیمه در عدالت شغلی حرف بزند. غلامرضا سلیمانی‌امیری مدیرعامل تأمین اجتماعی به دوره اصلاحات، فرشاد اسماعیلی حقوق‌دان و پژوهشگر حقوق کار و فرشید یزدانی کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی دعوت شده‌اند تا هرکدام از زاویه نگاه خود به این موضوع بپردازد. یزدانی با دقت دارد درباره نگاه جان راز! به عدالت حرف می‌زند و من هم می‌دانم که «عدالت از نظر راز! مقدم بر خوشبختی است. خوشی و کامیابی آنگاه به‌عنوان یک ارزش مثبت تلقی می‌شود که عادلانه‌بودن آن محرز باشد. عدالت چارو چینی است که افراد مختلف در آن فرصت یافتن آمال و ارزش‌های مورد نیاز خود را پیدا می‌کنند.» یضاً «راز! از دل وضعی نخستین، دو اصل عدالت را بیرون می‌کشد. اولین اصل، اصل آزادی است که آزادی‌های اساسی برابر را برای تمام شهروندان تثبیت می‌کند. آزادی عقیده، آزادی اجتماع، آزادی بیان و همچنین حقوق دموکراتیک، از حق مالکیت شخصی را هم به این موارد اضافه می‌کند. اصل دوم، اصل برابری است که برای تضمین آزادی‌ها بر سر آن توافق می‌شود؛ زیرا این آزادی‌ها در واقع گزینه‌های پیش‌روی تمام افراد جامعه و تضمین‌کننده عدالت‌توزیعی در جامعه هستند. برای مثال، تضمین‌های شکلی آزادی بیان و آزادی اجتماع، ارزش واقعی بسیار کمی برای افراد فقیر و حاشیه‌ای جامعه دارد. تقاضای فرصت‌های دقیقاً برابر برای همه افراد جامعه، بدون شک به اصل آزادی‌هایی که برشمردیم و حلاقصد برابرسازی‌شان را داریم لطمه می‌زند. با وجود این می‌خواهیم حداقل «ارزش منصفانه» آزادی‌هایمان را تضمین کنیم؛ هرکس در هر جایگاهی از جامعه قرار بگیرد، می‌خواهد زندگی برایش ارزش زیستن داشته باشد و سهمی کافی از آزادی داشته باشد تا بتواند اهداف شخصی‌اش را دنبال کند؛ بنابراین شرکت‌کنندگان آزمایش فکری به این سمت حرکت می‌کنند که اصل دوم را شامل دو بخش ببینند: برابری منصفانه فرصت‌ها و اصل مشهور و البته جنجالی «تفاوت». اصل وضعی نخستین، می‌کند که افراد دارای سطح مشابه استعداد و انگیزه، شناسن‌های نسبتاً مشابهی در زندگی پیدا کنند و نابرابری‌های جامعه به نفع محروم‌ترین افراد جامعه باشد. فرشید یزدانی اینجاست که وجود بخشی از نابرابری‌ها را از نگاه راز! توجیه‌پذیر می‌داند. نابرابری‌هایی که بتوانند به نفع اقشار ضعیف جامعه عمل کند و در جهت تأمین عدالت قدم بردارد. او تاکید دارد که این نگاه رازی می‌تواند در جهت تأمین عدالت بیمه‌ای به جامعه کمک کند. یزدانی در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید: ما باید مشخص کنیم که از بیمه چه برداشتی داریم و عدالت عمیق‌تر از این است. براساس این امر مردان بیش از ۱۹ میلیون نفر از جامعه به گفته او بیمه پوشش گسست دارد، یعنی گسست‌هایی که در زندگی افراد ایجاد می‌شود مثل گسست از کار، گسست از شغل یا سلامت و گسست‌هایی که در روال عمومی زندگی فرد شکل می‌گیرد و بیمه این وظیفه را دارد که در چنین مواقعی ورود کند و به فرد احساس خوب درباره

ادامه زندگی بدهد و احساس وجود نابرابری را بزداید. درساره بیمه گفته می‌شود که بهترین شکل، حفظ کرامت اجتماعی است و همه اقشار جامعه به‌نوعی در تحقق آن مشارکت دارند. همچنین بنیادی برای آشتی ملی است که به‌نوعی تعدیل تضاد طبقاتی به حساب می‌آید. این سخن معروف وجود دارد که صلح بدون عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی میسر نیست.

به گفته یزدانی، نقش بیمه در عدالت شغلی بی‌بدیل است، و با وجود تسماع نقصان‌هایی که در زمینه اجرایی وجود دارد، نمی‌توان این نقش را نادیده گرفت، زیرا بیمه قانون سفت و محکمی دارد که میانی آن درست است. قانون حمایتی است و در این قانون تفاتی بین مهندس و کارگر خط تولید، زن و مرد… وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان نقش بیمه را در تعمیق عدالت شغلی نادیده گرفت.

ساز ناوک بیمه

«غلامرضا سلیمانی‌امیری»، مدیرعامل تأمین اجتماعی در دوره اصلاحات هم در این نشست حضور دارد. او می‌گوید: بیمه در ایران مثل بقیه واژه‌های وارداتی است، یعنی مسئله‌های نیست که از داخل عوامل اجتماعی ایران شکل گرفته باشد، بلکه بعد از حرکت جامعه ایرانی به سمت صنعتی‌شدن در حوالی سال ۱۳۳۲ به بعد شکل گرفته است. درست در زمانی که کمی قبل‌تر از آن راه‌آهن به کشور آمده بود. به هر حال این موضوع، چیزی نیست که جامعه به آن رسیده باشد. درصورتی‌که در غرب به واسطه بیمه، بعد از انقلاب صنعتی جدال‌ها و اعتراضات خونی‌تی به وجود آمد که بین نظام سرمایه‌داری و کارگری شکل گرفت و به‌نوعی این بیناها یکی نوع آشتی برقرار کرد. اما ما در ایران نتوانستیم این بحث را بومی کنیم تا با فرهنگ و اقتصاد ایران عینین شود.

به گفته او: ابتدا برنامه این بود که بیمه را در سراسر کشور رشد و توسعه بدیم و همه را زیر پوشش آن قرار بدیم، اما الان حدود ۶۰ درصد از شهروندان تحت پوشش بیمه قرار دارند. ما در صنعت بیمه در مواردی تأمین اجتماعی را با کمیته امداد و بهزیستی اشتباه گرفته‌ایم و از نظر قانون‌گذاری هم اشتباهاتی کردیم و تکالیفی غیرمنصفانه روی دوش بیمه نوا گذاشته‌ایم. پس از انقلاب هم با پیش‌آمدن وضع جنگی و به وجود آمدن تورم و افزایش ناکارآمدی و نبود بهره‌وری، اشتغال به جای اینکه رو به رشد باشد، وضع بدتری پیدا کرد و جهت آن عوض شد که این موضوع نیز به بیمه آسیب زد. او گفت: حاکمیت قوانین حمایتی زیادی وضع کرده و بر دوش سازمان تأمین اجتماعی و دیگر سازمان‌های حمایتی گذاشته است و چون پول نداشته، بهدکار شده است. بعد هم که خواسته بر اثر فشار سازمان‌های بیمه‌گر بدهی‌اش را بدهد، به جای پول دارایی‌هایی را داده که سازمان تأمین اجتماعی را وارد بندهاداری کرده است. ک مثال خوب بانک آینده است که ظنی داشته

و برای تسویه آن، ایران‌مال را به بانک داده‌اند و براساس ارزیابی‌هایی که انجام شده، در عوض ۲۰۰ هزار میلیارد تومان به بانک واگذار شده است. از آن سو، بانک به سپرده‌گذاران تعهد دارد و این تعهد باید از محل فروش یا از محل سود ایران‌مال تأمین شود؛ این موضوع هم محقق نمی‌شود، چون ایران‌مال به آن بزرگی قابل فروش نیست و مشکلات دیگر. عین همین موضوع برای صندوق‌های بیمه‌گر اتفاق افتاده است. از گفته‌های او چنین برمی‌آید که چون وضع سازمان‌های بیمه‌گر به این شیوه پیش رفته، آنها عملا نمی‌توانند در مسیر عدالت یا هر چیزی که برای آنها وجود دارد، پیش بروند.

فقرزانه

«فرشاد اسماعیلی»، حقوق‌دان و پژوهشگر حقوق کار هم از منظری دیگر به موضوع ورود می‌کند. او می‌گوید: من می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و در این مجال در سخنان خود عدالت شغلی و عدالت جنسیتی را به‌عنوان کلیدواژه‌های این مطلب بیان کنم. این عقیده درست است که وقتی بحث از عدالت می‌شود، یک معنا این است که ثروت‌های جامعه باید بین عموم جامع به انصاف، توزیع شود. اما اسماعیلی معتقد است: اکنون وضعیت طوری است که فقر در یک فضای زنانه تمرکز پیدا کرده و حالا با جهش فقر در میان زنان سرپرست خانوار مواجه هستیم و در آینده‌ای نه‌چندان دور فقیرترین فقرا، زنان سرپرست خانوار خواهند بود. به گفته او: اگر قرار باشد رابطه بین عدالت شغلی و بیمه را تبیین کنیم، سؤال این است که این مفاهیم قرار است با پدیده‌های نوظهور چه کند؟ یکی از این مسائل نوظهور موضوع زنان است، مانند دیگر موضوعات ازجمله کودکان، مهاجران و مسائل جنسیتی. به این موضوع ظهور پیدا کرده است. اسماعیلی می‌افزاید: در موضوعات بیمه‌های اجتماعی و عدالت شغلی، هم این موضوع خودش را نشان داده است، یعنی ما در جامعه با پدیده‌ای مواجهیم به نام فقر زنانه. این فقر ویژگی زنانه پیدا کرده و موضوعی جنسیتی شده است و در آینده نزدیک با حجم بسیار زیادی از فقرا در این حوزه روبه‌رو هستیم. وضع جامعه دیگر مانند گذشته و به شکل سنتی نیست که مثلا زنی همسرش فوت شده و او گرفتار موضوعات خاص معیشتی است. در جامعه امروز، نرخ بالای طلاق، نرخ بالای حوادث حین کار، مهاجرت، بیماری و… و شکل‌های دیگر جدایی خانواده‌های تک‌سرپرست در میان زنان را افزایش داده است. حال سؤال این است که دراین‌میان نقش بیمه چیست؟

به گفته این پژوهشگر، بازار اشتغال ایران کاملا مردانه است، وقتی مسئله سرپرستی خانوار برای

زن پیش می‌آید، نظام بیمه‌ای چه پیشنهادی برای این حوزه دارد؟ یکی از پیشنهادها بیمه زنان سرپرست خانوار بوده که نتوانسته موفق باشد. اسماعیلی چند آمار هم داد: گزارش بانک جهانی ۲۰۲۴ بدترین کشورهایی را معرفی کرده که به صورت رسمی موانع قانونی برای مشارکت زنان در اقتصاد دارند. در این گزارش نیز دو نکته غریب رود اردن و غزه، ایران بیشترین موانع جنسیتی را به صورت قانونی دارد. مجمع جهانی اقتصاد هم در گزارش خود پایین‌ترین نرخ مشارکت زنان را به ایران نسبت داده است. در گزارش ۲۰۲۳ این نهاد آمده است: زنان ایران بیش از ۵۰ درصد فاخرالتحصیلات دانشگاهی‌اند، اما ۱۲ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند. در گزارش‌های داخلی هم آمده است که در سال ۱۳۹۹ یک میلیون و ۱۰ هزار نفر کار خودشان را از دست داده‌اند که از این میزان ۶۶۳ هزارو ۸۵۲ نفر زن بوده‌اند، یعنی به لحاظ عددی زنان دو برابر مردان شغل خود را از دست داده‌اند. اما موضوع عمیق‌تر از این است. براساس این امر مردان بیش از ۱۹ میلیون نفر از جامعه شاغلان را تشکیل داده‌اند، یعنی ۱۰٫۷ درصد آنها بی‌کار شده‌اند و زنان چهارمیلیون و ۳۳۰ هزار نفر از جامعه شاغلان را تشکیل می‌دهند که این اعداد نشان می‌دهد آنها ۱۵ درصدشان بی‌کار شده‌اند، یعنی ۹ برابر مردان!

محمدرضا امامقلی:

درهای مرکز مستند سوره به روی مستندسازان استانی باز است

تا شاهد سونامی تولیدات و آثار مستند از استان‌های سراسر کشور باشیم»، او با اشاره به حضور مرکز مستند سوره در جشنواره سینماحقیقت سوره امسال حضوره سینماحقیقت افزود: «مرکز مستند سوره امسال با هشت اثر در جشنواره سینما حقیقت شرکت خواهد کرد که هفت اثر در بخش مسابقه و یک اثر در بخش نمایش ویژه حضور دارند و در کل هفت اثر از هفت استان در بخش مسابقه حضور خواهند داشت.»
امامقلی سپس عملکرد ادوار گذشته مدیریت مرکز مستند سوره را تشریح و عنوان کرد: «از ابتدای حضور این مرکز مستند سوره در سال ۹۳ تاکنون، مرکز مستند سوره به طور متوسط سالانه هفت الی هشت اثر تولید کرده است. در هشت ماه

خبربرگزیده

آیاهربری ارکستر باعث جوان ماندن می‌شود؟

فرید پریش: هربرت بلومستدت ۹۷ ساله برای رهبری ارکستر فیلارمونیا در لندن حضور پیدا کرد. او یکی از رهبران بزرگ موسیقی است که در سنین بالا همچنان به فعالیت هنری خود ادامه می‌دهند.

هربرت بلومستدت، رهبر ارکستر ۹۷ ساله، برای رهبری ارکستر فیلارمونیا در سالن رویال فستیوال هال لندن روی صحنه رفت. این خبر ممکن است برای کسانی که دوران پیروی را با استراحت در خانه و تماشای برنامه‌های تلویزیونی بی‌اهمیت تصور می‌کنند، شگفت‌انگیز باشد. در ۹۷ سالگی، تصور اینکه بتوان حتی یک باتون را بلند کرد، دشوار است؛ چه برسد به رهبری یکی از برجسته‌ترین ارکسترهای جهان در اجرای کنسترو ویولن چهارم موتسارت و پس از یک وقفه کوتاه، هدایت سمفونی نهم مالر – سمفونی‌ای که اجرای آن معمولا ۹۰ دقیقه به طول می‌انجامد. حتی فکر ایستادن به مدت

یک ساعت و نیم با لباس رسمی و کراوات، سفید نیز برای بسیاری اضطراب‌آور است. با این حال، رهبران ارکستر از توانایی و استقامت متفاوتی برخوردارند. در قرن گذشته، زمانی که میانگین امید به زندگی جهانی در سال ۱۹۵۰ تنها ۴۶ سال بود و تا سال ۱۹۹۹ به ۶۶ سال افزایش یافت، بسیاری از رهبران بزرگ ارکستر تا دهه‌های ۸۰ و ۹۰ عمر خود فعال باقی ماندند. پابلو کاسالس در ۹۶ سالگی، نادیا بولانوژنه ۹۲ سالگی و آرتورو توسکانینی در ۸۹ سالگی درگذشتند. لئوپولد استوکوفسکی، که به رهبری موسیقی فیلم فانتازیا اثر دیزنی معروف است، در ۹۱ سالگی همچنان به اجرای عمومی می‌پرداخت، در ۹۳ سالگی صیظ می‌کرد و در ۹۵ سالگی از دنیا رفت.

امروزه، با توجه به آمار سازمان بهداشت جهانی که میانگین امید به زندگی جهانی را ۷۱ سال اعلام کرده است، بسیاری از رهبران ارکستر کلاسیک همچنان پس از ۷۰ سالگی در مشهورترین سالن‌های کنسرت جهان فعالیت دارند. این فهرست شامل چهره‌هایی همچون کریستوف فون دونانی (۹۵ ساله)، ریچارد بونینگ (۹۴ ساله)، راجر نورینگتون (۹۰ ساله)، زوبین مهتا (۸۸ ساله)، چارلز دوتوا (۸۸ ساله)، نتمه یاروی (۸۷ ساله)، مارک یانوفسکی (۸۵ ساله)، ریکاردو موتی (۸۲ ساله)، لوئیز زاکروسک (۸۲ ساله) و دیال بارنوییم (۸۲ ساله) می‌شود.

هرچند بارنوییم سال گذشته به دلیل وخامت وضعیت سلامت خود از سمت مدیر موسیقی عمومی اپرای ابالتی برلین کنتره‌گیری کرد، اما اعلام کرد: «البته، من تا زمانی که زنده هستم، با موسیقی در ارتباط خواهم ماند و آماده هر چیزی خواهم بود.»

تحقیقات نشان می‌دهد رهبران ارکستر طول عمر بیشتری دارند. در سال ۱۹۵۶، پژوهشگران بیمه مت‌لایف، ۴۳۷ رهبر ارکستر را شناسایی و آنها را به مدت ۲۰ تحت مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که این رهبران ۳۸ درصد بیشتر از افراد عادی عمر می‌کنند، یکی از نظریه‌ها، که توسط دکتر دیل ال. اندرسون ارائه شده، این است که رهبری ارکستر نوعی ورزش قلبی‌عروقی محسوب می‌شود. اندرسون در کتاب خود با عنوان «راز سلامت و طول عمر رهبران ارکستر»، رهبری ارکستر را برنامه‌ای ورزشی توصیف می‌کند که به بهبود عملکرد قلب و ریه‌ها، تقویت وضعیت بدنی، افزایش انعطاف‌پذیری و تعادل و حتی کاهش وزن کمک می‌کند. به عقیده او، هماهنگی حرکات بازوها با موسیقی، منجر به تقویت مغز و افزایش ارتباطات عصبی می‌شود. یافته‌های اخیر نیز نشان داده‌اند که نواختن سازهای موسیقی و حتی آواز خواندن، به بهبود حافظه و سلامت مغز کمک می‌کند. آن کوربت، استاد پژوهش در حوزه زوال عقل، معتقد است که فعالیت‌های موسیقایی، فرد مربوط است. من آن‌قدر موسیقی را دوست دارم که نمی‌توانم از آن دست بگیرم. همیشه چیزهای تازه‌ای برای یادگیری وجود دارد و این امید به آینده است که مرا به ادامه راه رغب می‌کند.»
هربرت بلومستدت در ۲۱ نوامبر در رویال فستیوال هال لندن، ارکستر فیلارمونیا را رهبری کرد.